

### یک پوزش و یک توضیح

هفته پیش به دلیل یک سفر کاری علیرغم تلاشم نتوانستم علیه تبعیض را منتشر کنم. من بعنوان یکی از افراد اصلی تلویزیون کانال جدید باید سفری به سوئد می کردم تا با کمک دیگر دست اندرکاران این تلویزیون بتوانیم پخش زنده را از سوئد راه بیندازیم. این کار با موفقیت کامل پیش رفت اما علیه تبعیض هفته گذشته فدای این موفقیت شد. مجددا با پوزش از همه شما. \*

کیوان جاوید



بی شک این عکسی مربوط به دوران حکمرانی طالبان در افغانستان است. بعد از ۱۰ سال از سقوط طالبان، هم دولت فعلی افغانستان و همچنین دول غربی، و آمریکا سخت در تلاش اند که نوعی طالبان "میانه رو" را کشف کرده و شریک همین دولت کرزای کنند. فقط باید گفت شرم بر همه تان. \*



حتما کسانی که در ایران چنین تصویری را روزانه مشاهده نمی کنند، فکر می کنند این تصویر یک جوک یا شوخی بی مزه است. باور کنید در همین کشور انگلیس بارها با چنین آدمهایی روبرو شدم. دولتی که این عمل ضد انسانی را غیر قانونی نکند، همدست ارتجاع و دشمن زنان نگون بختی است که در چنگال اسلامی ها اسیر اند. \*

### نبرد بین زندگی و تباهی



اجبار اسلامی و انتخاب غیر اسلامی. یکی دشمن بدست و مسلح به باتوم و شلاق و زندان و دیگری مسلح به اینکه حق دارد آزاد و رها باشد. حق دارد خودش باشد و حق دارد از زندگی و زیبایی لذت ببرد. این نبرد سهمگینی است بین دو دنیا. نبردی بین حکومت اسلامی و مردم تشنه رهائی! \*

### کلکسیون چرندیات و ارتجاع اسلامی



گور پدر فرشته ها و دولت اسلامی



"تاج" در خصوص حذف تیم فوتبال بانوان ایران از انتخابی المپیک گفت: حضور تیم فوتبال بانوان که با پوشش اسلامی در این مسابقات شرکت کرده بود در مراحل بالاتر انتخابی المپیک از سوی فیفا حذف گردید.

نایب رئیس فدراسیون فوتبال افزود: فیفا ماده ۴ دارد که ما باید دنبال آن باشیم که در آن آمده است که پوشش نباید موجب خفگی شود که این بند هم نقض نمی شود باید رایزنی شود نه رایزنی که پوشش حذف شود بلکه بتوانیم با این پوشش ادامه دهیم.

تاج گفت: کلیت فوتبال زیر نظر فیفا است ولی مسابقات را ای اف سی برگزار کرد و حساسیت فیفا را ندارد ولی اگر به مراحل نهایی پیش برویم و به قوانین فیفا برخورد کنیم مشکلاتی را خواهیم داشت \*

از نظر این آقا و احتمالا خانم تاج، زن اگر در مسابقه فوتبال خفه نشود و جنازه اش از زمین بیرون کشیده نشود پوشش او ایرادی ندارد. احمق الدوله اسلامی! هر پوشش اسلامی در مسابقات ورزشی باید غیر قانونی بشود. حق با فیفا است. این ننگ اسلامی مورد پذیرش هیچ ورزشکار زن نیست \*



## اسکی با حضور "سرپرست قانونی"

نایب رئیس بانوان فدراسیون اسکی تاکید کرد بانوان برای حضور در پیست های اسکی نیازی به همراه ندارند و اصولا اسکی ورزشی خانوادگی است.

در روزهای اخیر برخی از رسانه ها و خبرگزاری ها ، خبری را منتشر کردند مبنی بر اینکه پلیس امکان با ارسال دستور العملی به پیست های اسکی اعلام کرده که ورود خانم ها بدون سرپرست قانونی یا شوهر به پیست های اسکی ممنوع است.

وی در ادامه تاکید کرد: برای حفظ و رعایت شئونات در پیست های اسکی نیز ، طی جلسه ای که اخیرا" با روسای پیست های اسکی داشتیم ، پوشش هایی را طراحی کردیم که شامل کلاه ، شال، دستکش و سایر موارد لازم برای بانوان است.\*



با چه نیروی میخواهند جلوی این زنان را بگیرند؟

توهین آمیز ترین نکته این "دستور العمل" اسلامی همین "سرپرست قانونی" زنان است. فقط از ذهن همین مذهب یون دور از تمدن بشری بر می آید که برای زن سرپرست تعیین کنند. جایی که مذهب دستش به قدرت برسد این بیماری ضد زن به طبهکاری میرسد. دست طبهکاران و گانگستر های اسلامی باید از سر مردم ایران و خصوصا زنان کوتاه شود. تمام مبارزه مردم ایران برای رهائی و آزادی و رسیدن به یک دنیای انسانی است. دنیایی که اولین خواستش برابری بین زن و مرد است.\*

آخه کجای دنیا دیده یا شنیده ایم که مردم، یا بهتر بگوئیم زنان با چنین پوششی ورزش کنند. ورزش زنان و مردان در پارک ها یا حتی در پیاده رو ها در بخش وسیعی از دنیا آنچنان عادی و پیش پا افتاده است که به عقل هیچ بنی بشری در دنیا نمی رسد که با مقنعه و مانتو و ... می شود ورزش کرد. البته این منهای مغز معیوب اسلامیست ها و حکومت اوباش اسلامی است.\*

## فلسفه آرایش زنان

لیلا از ایران

برای دلشون؟ برای جلب توجه مردها؟ برای رقابت با زنها؟ کمبود اعتماد به نفس؟

این سوال یکی از نظر سنجی های فیس بوکی است که از این نظر سنجی ها در فیس بوک ما بین جونها خیلی رد و بدل می شود اما راستش این نظر سنجی کلی حرف با خودش داشت که فکر کردم برایتان بنویسم شاید شما هم با من هم نظر باشید . من فکر می کنم



آرایش زن و مرد ندارد و فلسفه اش تمایل انسان به رنگ و زیبایی است حال اگر در ایران آرایش مختص خانمها هست که البته این هم تا حدودی الان کاملا صدق نمی کند و آقایون هم موهایشان را، مش و رنگ و آرایش می کنند . در ایران زن فقط می تواند زیبایی را در صورتش به نمایش بگذارد و اگر مجبور نبود چادر و روسری و مانتو تنش باشد و می توانست آزادانه پوشش خود را انتخاب کند در این صورت دیگر این زیبا کردن خودش و آرایش ظاهرش محدود به صورتش نمی شد و شاید هم دیگر لازم نمی دید که همیشه آرایش داشته باشد از طرفی باید گزینه ای مهمتر را به گزینه های این سوال اضافه کرد که آرایش زنها در ایران "نه" بزرگی به جمهوری اسلامی و به این حجاب اجباری است و اینکه اعتراضشان و مبارزه شان را نسبت به این اجبار و ستم و تبعیض را با آرایش کردنشان نشان می دهند. برای همین زنده باد تمام دخترها و پسرانی که آرایش می کنند و به این وسیله فرهنگ منحن اسلامی را عقب می رانند.\*



## شلاق به جرم رانندگی

یک زن سعودی که اخیرا با به چالش کشیدن قوانین ضد انسانی در عربستان در معابر عمومی رانندگی کرده بود محکوم به ۱۰ ضربه شلاق شد. 'شیماء جستینه' که در ماه ژوئن گذشته در جریان آغاز حرکتی از سوی بانوان عربستانی در معابر عمومی رانندگی کرده بود، توسط دستگاه قضایی آل سعود به ۱۰ ضربه شلاق محکوم شد. در حکم صادر شده از سوی قاضی سعودی به قوانین وزارت کشور عربستان استناد شده است که در آن رانندگی زنان ممنوع اعلام شده است.\*



این تصویر، حکایت مرتجعین اسلامی در همه جای دنیا است. البته این تصویر زیبایی است اما فکر کردیم با درج عکس یک مرتجع اسلامی حال شما را نگیریم. دنیا دارد این ارتجاع را بالا می آورد. اما خود این مرتجعین سرشان را زیر "شن" یا یک جای متعفن دیگر فرو کرده اند و غیر از بوی گند تعفن چیزی به مشام شان نمی رسد.\*

علیه تبعیض را به دوستان خود هدیه کنید!

از سایت نشریه علیه تبعیض دیدن کنید. همه شماره های علیه تبعیض را می توانید در سایت مشاهده کنید. نشریه علیه تبعیض صدای زنانی است که قوانین اسلامی زندگی شان را تباه کرده است . صدای زنانی که می خواهند با رژیم اسلامی مبارزه کنند.

## سیمائی که رها شد

### فرشته از هلند - مدد کار اجتماعی

این هفته میخوام مختصری از داستان زندگی زنی از کشور افغانستان را برایتان باز گو کنم.

سیمای زنی ۳۰ ساله و زیبا است. او ۲ فرزند ۹ و ۱۰ ساله دارد.

اولین باری که او را دیدم بسیار آشفته بود و مرتب اشک می ریخت. با سیمای حرف زدم و از او پرسیدم مشکلت چیست. او گفت با شوهرش مشکل دارد و شنیده است که من جلساتی را در مدارس برای زنانی که با شوهرانشان مشکل دارند برگزار میکنم و دوست دارد در این جلسات شرکت کند. او تاکید کرد که نمی خواهد از شوهرش جدا شود و هدفش از شرکت در این جلسات فقط گوش دادن به حرف های من است.

سیمای در اولین جلسه ای که برای این زنان برگزار شد شرکت کرد. بحث در مورد این بود که چگونه میتوان به فرزندان خود که در سن بلوغ هستند کمک کنند تا در آینده دچار مشکل حادی نشوند و بتوانند این دوران حساس را به خوبی از سر بگذرانند.

یک قسمت از بحث در مورد سکسوالیتاد (جنیست) برای نوجوانان بود و اینکه این مساله برای بچه هایشان بسیار طبیعی است که از سن ۱۲ سالگی به بعد نسبت به جنس مخالفان حساس تر میشوند و گرایش بیشتری خواهند داشت. و این که دوست داشتن یعنی چه؟! و باید این مسائل را برای فرزندانمان روشن کنند و بتوانند به آنها کمک کنند.

سیمای شروع به گریه کردن کرد بطوری که نمیتوانست جلوی اشک هایش را بگیرد. او میگفت وقتی خودم نمی دانم دوست داشتن یعنی چه پس چطوری میتوانم به فرزندانم کمک کنم، بدون اینکه کسی حرفی بزند خودش شروع به حرف زدن کرد.

سیمای تعریف کرد که زمانی که با مادرش به هلند آمدند او فقط ۱۷ سال داشت. وقتی پدرش را در افغانستان اعدام کردن او با مادرش به اینجا فرار کرده بود. او ادامه داد وقتی با مادرم به کمپ پناهندگان آمدم تمام افغانها دور مادرم جمع شدند و گفتند در عرض یک ماه باید برای دخترت شوهر پیدا کنی در غیر این صورت دخترت تبدیل به فاحشه خواهد شد و اینکه اینجا اروپا است و برای یک زن و یک دختر جوان مناسب نیست که تنها بماند.

سیمای ادامه داد چند روز بعد ۱۰ عکس جلوی من گذاشتن و من را مجبور کردن یکی را انتخاب کنم و مادرم هم تاکید داشت که من هرچه زودتر باید ازدواج کنم وگرنه آبرویمان میرود. من چاره ای جز این نداشتم که یکی از آن عکس ها را انتخاب کنم و در عرض یک هفته من را شوهر دادند.

در شب ازدواجم متوجه شدم که همسرم معلول است و روی صندلی چرخ دار می نشیند. در همان شب اول کتکم زد که چرا زیاد میخندم. وقتی با مادرم حرف میزدم به من میگفت باید خدا را شکر کنی که سقفی بالای سرت داری و در کنار شوهرت هستی.

شوهرم مرتب مرا اذیت میکرد و به بهانه های مختلف اجازه درس خواندن و کار کردن به من نمی داد. زمانی که حامله بودم به دخترم جلوی خانه با مرد همسایه برخورد کردم و او با من دست داد و سال نو را تبریک گفت و شوهرم من را دید و از بالای پله ها من را پایین انداخت و گفت که معلوم نیست که بچه داخل شکم مال او باشد.

سیمای از آن هفته به بعد هر جلسه یک ربع زودتر میامد و به حرفهای من در جلسات گوش میداد و مرتب مشورت میگرفت.

در این جلسات در مورد حق و حقوق زنان در این جامعه صحبت می شد و این که آنها به عنوان زن چه احساسی نسبت به خود دارد.

بطور مثال:

- چرا خود را به عنوان یک زن پایین احساس میکنند.

- چرا زمانی که حقی از آنها ضایع میشود سکوت اختیار میکنند و میپذیرند در صورتی که میتوانند حق خود را با صحبت کردن و بحث کردن بصورت منطقی بگیرند.

- در مورد تربیت بچه ها در سن بلوغ.

- این که معیارشان در مورد مرد مورد نظرشان چیست و او باید چگونه مردی باشد که به زن بعنوان یک انسان نگاه کند و بتوانند این را هم به فرزندانمان انتقال دهند. و بسیاری موارد دیگر از جمله اینکه حق و حقوق زن در اسلام و چرا مرد میتواند ۴ زن اختیار کند.

بعد از ۸ جلسه سیمای گفت که تصمیم گرفته است که با از شوهرش جدا شود یا اینکه خود را خواهد کشت.

سیمای موفق شد از شوهرش جدا شود. او به من

## قتل به جرم زن بودن

دو مرد جنایتکار که در جنایتهای جداگانه همسران خود را به قتل رسانده اند

در نخستین جنایت مردی به خاطر "سوءظن" همسرش را با ضربه کار از پا درآورد. همسر نیلوفر در بازجویی اعتراف کرد که به همسرش شک داشته و تصور می کردم او به من خیانت کرده است. بر سر این موضع با او درگیر شده و کاردی را در کمرش فرو کردم.

قتل همسر با ضربه های چوب در دومین جنایت روز شنبه مردی به خاطر اختلافاتی که با همسرش داشت او را با ضربه های چوب کشت. ماموران پس از حضور در محل جنایت با جسد غرق در خون زن جوانی روبرو شدند که با ضربه های جسم سخت از پا درآمده بود. او گفت: مدتی بود با همسرم اختلاف داشتم. او به بیماری روحی و روانی من توجهی نمی کرد. امروز با هم درگیر شدیم. و با چوب شروع به کتک زدن او کردم. وقتی به خودم آمدم او دیگر نفس نمی کشید.\*

این دو واقعه را در کنار هم بگذارید تا به نقش جامعه و دولت در کنترل جرم و جنایت و حمایت از زنان تحت ستم برسید. موج عظیم جنایت علیه زنان در ایران را در درجه اول باید به پای دولت اسلامی نوشت.\*

گفت هر شب اول خدا، بعد شوهرم را شکر می کردم ولی الان فقط تو را دارم و اجازه هست که تو را دعای خیر کنم؟ هر دو نفرمان با هم خندیدیم و به او گفتم که به خودت اعتماد داشته باش و این خود تو بودی که با تلاش و اعتماد بنفس از پس این مشکلات برآمدی و از این پس سعی کن که زندگی کنی و از زندگی لذت ببری.

او توانست جدا شود و خانه بگیرد و با ۲ فرزندش زندگی کند. سیمای اوایل خیلی میترسید و با کوچکترین مشکل با من تماس میگرفت و راهنمای میگرفت، الان ۲ سال است که از این موضوع میگذرد. سیمای دارد درس مددکار اجتماعی میخواند و با من کار میکند و زنان اطرافش را تشویق به شرکت در این جلسات میکند و به آنها کمک میکند که چطوری میتوانند خودشان را دوست داشته باشند و از زندگی خود لذت ببرند. روزی سیمای گفت که الان میدانم زندگی یعنی چه و بچه هایم هم خوشحال هستند.

با امید روزی که تمام انسان ها در این کره خاکی از آذانه زندگی کنند و لذت ببرند.

شاد باشید.\*



## علیه تبعیض، تولدت مبارک

لیلا از ایران

شماره ی قبل نشریه رو که دیدم از دیدن یک تولد و علیه تبعیض یک ساله شد خیلی خوشحال شدم و در عین حال فکرم رفت به یک سال پیش که اولین شماره ی نشریه علیه تبعیض رو از اینترنت دانلود کردم وقتی نشریه رو باز کردم خیلی خوشحال شدم یه نشریه برای زنها با زبانی خودمانی و مشتاق برای گرفتن شماره ی بعد این نشریه. چند شماره از نشریه گذشته بود که تصمیم گرفتم برای نشریه بنویسم چون واقعا احساس می کردم این نشریه صدای اعتراض من است که به تمام دنیا بگم که بعنوان یک زن تمام این قید و بندهایی را که به دست و پام بستند نمی

کردن مطالب نشریه از در و همسایه گرفته تا فامیل تا داخل تاکسی تا صف نون برای زنها دریغ نمی کرد و حتی از من می خواست که از نشریه پیرنت بگیرم تا اون بتونه به خانمهای اطرافش نشون بده و دائما می گفت این مطالب حرف دل من و هزاران زن مثل من است تا اینکه در شماره های ۹ یا ۱۰ نشریه بود که من نشریه را به یکی از دوستانم که در شهر دیگری بود معرفی کردم باورم نمی شد از استقبال دوستم و خانواده اش. حالا نشریه را باید برای چندین نفر می فرستادم و احيانا اگر سه شنبه نشریه را نمی فرستادم باید به چند تلفن جواب پس می دادم که چرا نشریه را به دستشان نرساندم کم کم نشریه تبدیل شد به ارتباط با چند زن از شهرهای دیگر و اضافه شدن نویسندگان دیگر برای این نشریه چرا که همه ی این دوستان این باور را داشتند که علیه تبعیض صدای اعتراض زنان نه تنها ایران بلکه تمامی کشورهایی است که تحت



برای همین امیدوارم زنها ی زیادی که به این اوضاع معترض هستند این نشریه را صدای اعتراض خود بدانند و حول آن جمع تشکیل دهند و برای سرنگونی جمهوری اسلامی و ساختن دنیای بهتر که در آن زن برابر با مرد باشد و خود اختیار زندگیش، لباسش، افکارش و انتخابش را بدست بگیرد آستینها را بالا بزنند و من به نوبه ی خودم و همینطور به نمایندگی از دوستانم تولد یک سالگی علیه تبعیض رو به کیوان جاوید سردبیر نشریه علیه تبعیض و همینطور تمام زنان و مردان آزادیخواه که برای حکومتی انسانی مبارزه می کنند تبریک می گویم.

جنگیدن با حکومت وحشی ضد زن است. مطمئن هستم که خیلی ها حتی اسمش را هم نشنیده اند و حتی یک شماره از این مجموعه را هم ندیده اند. اما همین که لیلا نوشته است وسیله ای برای تشکل شده است و افرادی را به هم نزدیک کرده است نوری در تاریکی است. این نور ارزش دارد. باید آن را به شعله ای فروزان تبدیل کرد. متشکل شدن و متشکل کردن علیه حکومت ضد زن اسلامی هدف بعدی من است. به کمک همه شما نیازمندم. کیوان



ستم و ظلم مذهب از زندگی محروم می شوند کتک می خورند مورد توهین و تجاوز قرار می گیرند و سنگسار می شوند و تحت حکومتهای جنایتکاری مانند جمهوری اسلامی اصلا انسان به حساب نمی آیند و زن بودنشان جرم است!

خواهم و دلم هوایی تازه می خواهد که در آن هوا انسان بودنم را استنشاق کنم. همینطور نشریه رو به مادرم و خواهرانم نشان دادم و از آن به بعد چند نفر بودیم که واقعا بدون غلو منتظر انتشار شماره ی بعدش بودیم و مطالبش رو خط به خط می خواندیم و مامانم از تعریف

## یه دنیا امید و دلگرمی

اگر بشود از تاثیر تشویق و دلگرمی حرفی زد، لافل برای من همین نوشته لیلا است. اگر کسی به من بگوید در یک سال که "وقت عزیزت" را صرف انتشار این نشریه کرده ای، به چه رسیده ای به همین نوشته لیلا اشاره می کنم. همین یک نتیجه که زنانی از شهر های مختلف را به هم نزدیک کرده است و امید به پیروزی را در دل آنها صد چندان



کرده است برای من امیدبخش است و لبخند شادی بر لبم نشانده است. من علیه تبعیض را به این دلیل منتشر نمی کنم که دوست دارم نشریه ای داشته باشم، اسم سردبیر باشد، وقت بیکاری ام را پر کنم یا شاید فقط پز برابری طلبی بدم. علیه تبعیض واقعا برای من یک اسلحه برای